

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و دست اندرکاران حج - 31 / فروردین / 1373

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران و خواهران خدمتگزار و عزیز؛ خیلی خوش آمدید. امیدواریم که خداوند متعال، این خدمات ارزشمند را که متوجه به یکی از مهمترین وظایف مسلمین است، مورد قبول قرار دهد و به شما کمک کند و به تلاشهایتان برکت ببخشد تا بتوانید ان شاءالله به بهترین وجه، این فریضه عظیم عالی قدر را اقامه و احیا کنید. وظیفه خود می دانم که از همه دست اندرکاران حج، بخصوص کسانی که در طول سال، ساعات متوالی وقت صرف می کنند تا به انجام صحیح این فریضه کمک شود، سپاسگزاری و تشکر کنم. این کارهایی که در راه آموختن به مردم و تشویق و تحریض آنها بر حج صحیح و تهیه مقدمات آن انجام می شود، واقعاً ارزشمند است. بنده بالاخص از جناب آقای «ری شهری» حفظه الله و ابقاه که حقیقتاً این کار را به وجه زیبا و نیکویی پیش بردند و ادامه دادند، سپاسگزارم.

واجب حج، حقیقتاً یک واجب بی نظیر است. چنان که اگر ما در همه تعالیم اسلامی غور کنیم، شبیه آن را نخواهیم یافت. حج وضع مخصوصی دارد و جنبه معنوی در آن فوق العاده است. مثلاً، یک نوبت نماز را که شما ملاحظه کنید، چند دقیقه ذکر خداست. اما حج، از آغاز پرداختن به اعمال مربوطه که طی چند روز انجام می گیرد - چه در داخل خانه خدا، چه در مسعای شریف، چه در عرفات، چه در مشعر، چه در منی، چه در اعمال گوناگون، چه در طوافهای مختلف، چه در نشست و برخاستها و چه در افاضه از نقطه ای به نقطه دیگر - همه اش ذکر خداست. این از جنبه معنوی که معلوم می کند ذکر الهی در حج، یک قلم بسیار درشت است.

از طرف دیگر جنبه دنیایی و مربوط به زندگی حج هم بی نظیر است. یعنی واجبی است که فقط مربوط به یک فرد یا یک ملت نیست؛ بلکه مربوط به همه دنیای اسلام است. خدای متعال نقطه ای را معین فرموده و در زمانی معلوم - ایام معلومات - همه مسلمانان را به آن نقطه دعوت کرده است. آیا می شد که همه مسلمانان، نه یکپارچه که در گروههای مجزا، و نه در ایامی معلوم که در طول سال، در این نقطه جمع شوند؟ این نکته از حج باید مورد اهتمام بیشتری قرار گیرد که خدای متعال فقط اراده نفرمود که همه در مکه و منی و مشعر و عرفات، جمع شوند. چون اگر حرکت مردم به این مناطق اصل قضایا بود، می شد همه را در طول یک سال در آن جا جمع کنند. این که خدای متعال امر به تجمع همه مسلمانان در این نقطه، آن هم در یک مجموعه از روزها داده است، برای چیست؟ نکته اساسی و مهم همین است.

بدیهی است تجمعی با این کیفیت، به خاطر آن است که آحاد مردم مسلمان، خود را در کنار یکدیگر ببینند. یعنی احساس وحدت و جماعت کنند و در بعدی وسیعتر، احساس عظمت ناشی از اجتماع ملتها و شعوب، بر همه حاکم گردد. اگر این احساس مورد توجه نبود، لزومی نداشت که ایام معلومات و معدودات در حج مقرر شود. و اما این که امت اسلام - هر ملتی از ملتهای مسلمان - کسانی از خودشان را در یک روز به یک نقطه می فرستند تا آنها با هم اجتماع کنند، این اجتماع برای چیست؟ اینها نکات و دقایقی است که به تعبیر امام صادق علیه الصلوة والسلام: «يعرف هذا و اشباهه من كتاب الله» باید هر مسلمانی از مفاهیم قرآنی و اسلامی بداند. خدای متعال، از همه ملل مسلمان، جماعتی را دعوت می کند و به آنها می گوید: بیایید در این ایام معلوم، دور هم و با هم باشید. «ثم افوضوا من حيث افاض الناس» همه با هم حرکت کنید. همه با هم افاضه کنید، و همه با هم به طواف بپردازید. این اجتماع همگانی برای چیست؟ مسلمان نقاط مختلف دنیا، در یک نقطه گرد هم بیایند که چه کنند؟ دور هم جمع شوند و در سکوت، به صورت همدیگر نگاه کنند و بعد از چند روز هم به اوطان خود برگردند؟! چرا دور هم جمع می شوند؟ جمع شوند تا اختلافات خود را با هم مطرح کنند؟ این جمع شدن به چه معنی است؟ جواب این است که جمع شدن افرادی از همه ملتها در یک نقطه، آن هم یک نقطه مقدس، فقط می تواند یک فایده و یک معنا داشته باشد. آن فایده و معنا این است که دور هم جمع شوند تا درباره سرنوشت امت اسلامی تصمیم

گیری کنند و در این مجمع، به حیث امت، یک قدم خوب برداشته شود و کاری سازنده و مثبت صورت گیرد. این کار سازنده و مثبت، به چه کیفیتی می تواند باشد؟ به این کیفیت که یک وقت است ملت‌های اسلامی آن قدر پیشرفته اند - امیدواریم آن روز برسد - که وقتی در حج جمع شدند، در خلال این کنگره عظیم مردمی، از برگزیدگان ملت‌ها، مجلس مفصل چند هزار نفره ای تشکیل گردد و این مجلس مصوباتی داشته باشد و آن مصوبات در همان کنگره عظیم به تصویب آحاد حجاج آمده از کشورها برسد و بعد برای اجرا به دولت‌ها و ملت‌ها ابلاغ گردد. این، بهترین کار است؛ که، متأسفانه امروز عملی نیست. زیرا ملت‌ها هنوز در این زمینه، آن قدر پیش نرفته اند؛ بخصوص که دولت‌ها هم به آنها کمکی نمی کنند. اما تا وقتی که چنان تصمیم‌گیری عملی در موسم حج امکان ندارد، کار واجب در آن جا چیست؟ این است که ملت‌ها به هر نحو که بتوانند نسبت به مصالح دنیای اسلام دلبستگی نشان دهند و ضمن تأکید بر وحدت بین خود، به اظهار برائت از دشمنان دنیای اسلام بپردازند. این کمترین کاری است که می شود در حجی که اسلام معین کرده است، انجام داد و از آن متوقع بود.

برائت را ما از بیرون نیاورده ایم وارد حج کنیم. جزو حج، روح حج و معنای واقعی اجتماع عظیم حج است. بعضی اشخاص دوست می دارند که در مطبوعات و در اظهارات و نیش زدن‌های خود در اطراف دنیا، مرتب بگویند: «شما حج را سیاسی کرده اید.» «حج را سیاسی کرده اید» یعنی چه؟! اگر منظور این است که ما یک مفهوم سیاسی را در حج داخل کرده ایم، باید گفت: حج، هیچ گاه عاری از مفهوم سیاسی نبوده است. اگر کسی مفهوم سیاسی را در حج نبیند، باید دعا کرد که خدا او را شفا دهد تا بتواند ببیند! کسی که با اسلام و آیات حج در قرآن آشناست و هم از این طریق به اهمیت وحدت پی برده است، چطور ممکن است نفهمد این اجتماع عظیم، برای مقاصد و مفاهیم عالی سیاسی و الهی - سیاسی است که مربوط به همه مسلمین و برای وحدت و برای حل مشکلات دنیای اسلام و برای اجتماع دل‌ها و نزدیک شدن آنها به یکدیگر است؟! اگر مراد این است که «حج وسیله ای برای پیشبرد سیاست‌های ظالمانه قدرتهای بزرگ نشود»، درست است و ما قبول داریم. کسانی که به نحوی با حج ارتباط دارند، نباید این فریضه الهی و این واجب مورد عشق و محبت مسلمین را با سیاست‌های جهانی مصالحه کنند. ما این را قبول نداریم. هر کس حج را به این معنا سیاسی کند، نسبت به حج خیانت کرده است. اما مسائل دنیای اسلام مسائل مهمی است. این مسائل کجا باید مطرح شود؟ مسلمین جز در مراسم حج، در کجا می توانند صدای واحد خود را در اعتراض به این همه نامردمی که در سرتاسر دنیا نسبت به آنها صورت می گیرد، به گوش دنیا و سیاست‌های خائن برسانند؟ ببینید امروز در اروپا با مسلمین چه می کنند! قضایای «بوسنی» و بخصوص قضایای هفته اخیر «گورژده» واقعاً گریه آور است. انسان نمی تواند هیچ توصیفی برای اهمیت و عظمت این فاجعه پیدا کند! هر چه در کلام بگوییم، کوچکتر از آن واقعیت است. سردمداران استکبار جهانی در دنیا، نشسته اند و به قربانی ای که در مقابلشان است می نگرند و منتظرند ببینند کار این قربانی چه وقت تمام می شود! این قربانی هم، مسلمین «یوگسلاوی» سابقند. جرمشان چیست؟ مسلمان بودن. این دیگر موضوعی نیست که ما بگوییم. من این واقعیت را سه سال پیش در پیام حج نوشتم و عنوان کردم. اگر چه آن روز انکار می کردند، اما امروز خود بلندگوهای استکباری می گویند که «چون اینها مسلمانند، نباید کمکشان کرد!» مجبور شده اند اعتراف کنند که «جرم مردم بوسنی، مسلمانی است.» چون در دل اروپا، یک ملت مسلمان سربلند کرده است، استکبار به خشم آمده است. نمی گوییم «یک حکومت اسلامی»؛ چرا که اگر قرار بود بوسنی حکومتی پیدا کند، معلوم نبود یک حکومت صد در صد اسلامی به آن شکل باشد. بالاخره مردم این سرزمین، نزدیک به پنجاه سال زیر بار حکومت کمونیستی بوده اند. قبل از آن هم، سال‌های متمادی زیر بار حکومت فاسد حکام عثمانی یا امثال آنها و یا بعضی از دولت‌های فاسد اروپایی و امپراتوری‌های اروپایی مثل «اتریش» و بقیه کشورها بوده اند. اینها که نمی توانستند یک شبه یک حکومت اسلامی و قرآنی به وجود آورند! این امر، متوقع نبود. آنچه که استکبار مسلط بر دنیا را نسبت به مسلمین مظلوم «بوسنی هرزگوین» این طور خشمگین کرده است، وجود کشوری در اروپاست که ملت آن مسلمانند. آنها نمی توانند چنین ملتی را تحمل کنند. این وضع مسلمین در دنیاست. آن وقت سازمان‌های بین المللی - و بدتر و زشت تر از همه، سازمان ملل - در این قضیه، بدترین امتحان‌ها را دادند.

بنده عرض می‌کنم: دبیر کلّی که امروز در رأس تشکیلات سازمان ملل است، بداند چنان سابقه بدی برای خود در بین مسلمین ایجاد کرد که دیگر به هیچ قیمتی اصلاح نخواهد شد. مسلمانان دنیا می‌بینند که در بوسنی چه اتفاق می‌افتد. لذا در برهه‌ای گفتند: «به ما اجازه بدهید برویم به آنها کمک کنیم؛ چرا که به طرف مقابل مسلمانان بوسنی کمک می‌شود.» گفتند: «نمی‌شود.» گفتند: «اجازه بدهید تسلیحات برایشان بفرستیم.» گفتند: «نمی‌شود.» ظاهر حرف هم این است که «به هیچ طرف، تسلیحات نمی‌دهیم.» اما یک طرف نزاع، تمام امکانات تسلیحاتی دولت سابق یوگسلاوی را در اختیار دارد؛ امکانات همان دولتی را که سالهای متمادی از عراق پشتیبانی تسلیحاتی می‌کرد و تانک و دیگر سلاحها برایش می‌فرستاد. امروز، آن همه امکانات در اختیار صربهاست. یک طرف هم، دست خالی است. مردم بی‌پناه یک شهر. زن و بچه‌ای که در یک شهر زندگی می‌کنند.

معنای این حرف که می‌گویند «به هیچیک از طرفین درگیری، اسلحه ندادیم» چیست؟ در مقابل افکار دنیا، تقلب می‌کنند و می‌گویند: «به هیچ طرف کمک نمی‌کنیم.» یک طرف، مسلح و یک طرف غیر مسلح، به جان هم افتاده‌اند. شما به جای این که یا سلاح را از دست مسلح بگیرید، یا سلاح به دست غیر مسلح بدهید، به کناری ایستاده‌اید و می‌گویید: «به هیچ طرف کمک نمی‌کنیم!» این حرف معنایی جز این ندارد که شما منتظر نشسته‌اید تا ببینید طرف غیر مسلح بیچاره، چه وقت بر خاک می‌افتد؟ معنایش این است دیگر! واقعاً هم منتظرند که چه وقت مسلمانان از پا بیفتند.

گفتند: «سربازان سازمان ملل را می‌فرستیم.» ملت‌های اسلامی گفتند: «اجازه بدهید ما هم جزو سربازان سازمان ملل برویم آن‌جا و حائل شویم.» گفتند: «نمی‌شود.» نه فقط از جمهوری اسلامی، که تقریباً از هیچ کشور مسلمانی نگذاشتند نیروی حائل به آن‌جا فرستاده شود! این یعنی چه؟ یعنی به سربازانی که آن‌جا می‌فرستند، باید بگویند: «وقتی رفتید، به صربها کمک کنید.» به مسلمان که نمی‌توانند این را بگویند. لذا، نمی‌گذارند مسلمان برود. امروز چنین ننگی بر نظام نوینی که اینها می‌خواهند در دنیا به وجود آورند، حاکم است. آن رفتار امریکایی‌ها، آن وعده‌های دروغشان در مورد مسأله مسلمانان بوسنی هرزگوین، آن مطلقاً کمک نکردنشان و آن هم رفتار سازمان‌های بین‌المللی و بعضی دولتهای اروپایی و انگلیس و دیگران! خوب؛ یک عده مسلمان، در آن‌جا مظلوم واقع شده‌اند و منتظرند که چه وقت قتل عام شوند! مسلمانان در این مورد چه کنند؟ آیا راهی غیر از حج وجود دارد؟ آن عاملی که قدرتهای استکباری را می‌لرزاند، «سوادالتاس» یعنی توده مردم است. و الا، چند دولت، در فلان کنفرانس که در فلان گوشه دنیا برگزار می‌شود، بنشینند و قطعنامه‌ای هم صادر کنند. اهمیتی نمی‌دهند! صد قطعنامه هم صادر کنند، بی‌نتیجه است. مگر علیه صهیونیست‌های غاصب، تا کنون چندین قطعنامه صادر نشده است؟ یعنی هیچ؛ یعنی باد هوا! قطعنامه فایده‌ای ندارد. آن عاملی که قدرتهای استکباری را به معنای واقعی می‌ترساند و متوقف می‌کند، حضور آحاد ملت‌هاست. کجا بهتر از حج؟ دو میلیون مسلمان از همه کشورهای اسلامی در آن‌جا جمع می‌شوند. از هر کدامشان پرسیم «احساس شما نسبت به «گورائده» چیست؟» خواهد گفت: «دلم می‌خواهد به گورائده بروم و از مسلمانان مظلوم آن‌جا دفاع کنم.» حیف نیست که ما این جماعت را از دست بدهیم؟! حیف نیست اجتماعی به این خوبی که این همه می‌تواند برکت داشته باشد و جان این همه مسلمان را نجات دهد، از دست برود؟! آن وقت، این سیاسی کردن حج است؟!!

به جمهوری اسلامی که اعتراض می‌کنند «چرا حج را سیاسی کرده‌اید؟» این است معنایش. برائت یعنی این. برائت یعنی مردم در آن‌جا جمع شوند و علیه دژخیم‌هایی که با کراوات و لباس اتو کشیده و ادکلن زده می‌آیند و مثل وحشی‌ترین وحشیها، انسانها را می‌کشند، و نیز علیه کسانی که از اینها حمایت می‌کنند و علیه کسانی که به نفع اینها در مجامع جهانی تصمیم می‌گیرند، فریاد سردهند. این معنای برائت است. می‌شود که حج خالی از این باشد؟! آیا حج خالی از برائت، حج است؟! کسانی که با قرآن و اسلام آشنا هستند، جواب بدهند! منصفانه هم جواب بدهند! معنای آن حرف امام که فرمود «حج بی برائت حج نیست»، یعنی این. برائت جزو حج و تنیده در ذات حج است.

حضور مسلمانان در حج باید یک حضور معنی‌دار باشد. والا اگر فقط جنبه معنوی و ذکر خدا منظور بود، انسان می‌

توانست در خانه خودش بنشیند و ذکر خدا کند. دیگر «یأتوک رجالاً و علی کل ضامر یأتین من کل فج عمیق» لازم نبود. اگر اجتماع معنا نداشت، دیگر «ایام معلومات» لازم نبود. می گفتند: «هر کس، در هر وقت از سال توانست به مکه برود.» مگر نمی شد؟! این که گفتند «یک جا جمع شوید»، برای همین چیزهاست. برای این است که ذکر خدا هم دستجمعی گفته شود. اعتصام به حبل پروردگار هم دستجمعی صورت گیرد. می فرماید: «و اعتصموا بحبل الله جميعاً» و نه «فراداً». مسأله این است!

البته این که دیگران در حج چه می کنند، به ما ربطی ندارد. ما باید آنچه را که وظیفه مان است در حج انجام دهیم و به فضل پروردگار، انجام هم می دهیم. این که نسبت به ملت‌های مظلوم، دیگران چه می کنند، به ما مربوط نیست. البته «به ما مربوط نیست» به این معناست که اگر دیگران به ملت‌های مظلوم کمک نکردند، ما متوقف نمی شویم. چرا؛ تلاش هم می کنیم. کما این که، به فضل الهی، دولت و مسؤولین تلاش کردند تا شاید بتوانند ملت‌های دیگر را نیز برای کمک به مظلومین «بوسنی» ترغیب کنند. اگر ترغیب شدند، چه بهتر! اگر هم نشدند، ما به کمک‌های خودمان ادامه می دهیم. بحمدالله تا امروز دستگاه‌های مختلف جمهوری اسلامی و آحاد مردم، در قضیه بوسنی هرزگوین، سنگ کم به ترازو نگذاشتند. خوب به میدان آمدند و باز هم باید به میدان بیایند. امروز هم باید «هلال احمر» هر کاری می تواند انجام دهد تا شاید امکان این را بیابد که به مظلومین محاصره شده از لحاظ غذا و لوازم زندگی کمک برساند. آحاد جوانان مؤمن مسلح - از سپاه و ارتش و بسیج - باید اعلام آمادگی کنند، تا هر لحظه که گفتند برای رفتن به آن جا مانعی وجود ندارد و وقتی که راه باز شد، بتوانند بروند. انقلاب و امام، این را به ما یاد دادند. یاد دادند که در انجام تکلیف، منتظر دیگران نشویم. «لا یضركم من ضل اذا اهتديتم». وقتی که شما می توانید پا در رکاب وظیفه باشید، باشید؛ ولو ملت‌های دیگر نباشند؛ ولو دولت‌های دیگر اجازه ندهند. دولت و ملت ایران، به فضل الهی در راه انجام وظیفه اسلامی پیشگام باشند؛ حال، آن وظیفه اسلامی هر چه که می خواهد باشد.

البته، بنده امروز راجع به فجایع یوگسلاوی سابق عرض کردم؛ اما فقط آن نیست. در همین نزدیکی خودمان، آنچه که با مسلمین منطقه ای از «جمهوری آذربایجان» در «قره باغ» می شود، مثل همان فجایع است. آنچه که با مسلمانان «تاجیکستان» می شود نیز مانند همان است. آنچه هم که با مسلمانان «کشمیر» می شود، دست کمی از آن فجایع ندارد. البته هیچکدام به عظمت فجایع بوسنی نیست. آن جا دشمن، دشمن محلی نیست. در مناطقی که اسم بردم، دشمن، دشمن محلی است. در بوسنی - در قلب اروپا - سیاست‌های استکباری اعمال می شود؛ زیرا آن جا برایشان مهمتر است. اصل این است که باید آنچه را تکلیف است، بدون خوف و واهمه از احادی انجام داد. ملت ایران رشته های ترس از قدرتها را برید تا توانست مستقیم و راست بایستد و راست قامتی او برای ملت‌های دیگر درس شود. می بینید که جوانان امروز در دنیا، به نام اسلام شعار می دهند.

از اول انقلاب، پانزده سال گذشته است. از رحلت امام رضوان الله علیه قریب پنج سال گذشته است. همه خیال می کردند که هر چه از مبدأ دور شویم - بخصوص بعد از رحلت امام بزرگوار قدس الله نفسه - دیگر شور و شوق ملت‌های مسلمان نسبت به ایران و انقلاب اسلامی، تمام می شود. اما می بینید که این شور و شوق، روزه روز بیشتر و به موازات آن، روزه روز برای استکبار جهانی، مشکل جدی تر شده است. این کار خداست کار ما نیست. این اراده الهی است. منتها ملت ایران، به کمک خدا و توفیقات الهی، زمینه این تفضل الهی را با گذشت خود، با فداکاری خود، با تلاش خود، با خون دادن خود، با ابراز عقیده خود و با حفظ وحدت خود فراهم کرد.

وحدت را حفظ کنید. دشمن، بسیار خواستار آن است که منادی وحدت را در خانه خودش دچار اختلاف و تفرق کند. همه این را همیشه به یاد داشته باشند. گروه‌های مختلف، مذاهب مختلف، شهرهای مختلف و آدم‌های مختلف این را بدانند. دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی، خیلی دوست می دارند بگویند «این هم جمهوری اسلامی که همه اش دم از وحدت می زد! ببینید! در خانه خودش دچار اختلاف و تفرقه است!» دلشان می خواهد چنین وضعی را پیش بیاورند. به فضل پروردگار، تا امروز نتوانسته اند و به هدایت و کمک الهی و بیداری و هوشیاری شما ملت عزیز، بعد از این هم نخواهند توانست.

امیدواریم خداوند این حج مقبول را از شما و آحاد موفقی که ان شاء الله امسال به حج مشرف خواهند شد، بپذیرد. ان

شاءالله زحمات همه را قبول کند و توفیق دهد که حجّ خوبی برگزار شود.

کسانی که به حج می روند قدر حج را بدانند. من این یک کلمه را هم فعلاً عرض کنم تا اگر تفصیلی داشت بعداً راجع به آن بیشتر بگوییم. کسانی که به مکه می روند، مکه را فدای بازارگردی و دکان گردی نکنند. مکه بالاتر از این حرفهاست. می توانند بعداً یک سفر هم برای تجارت بروند و هر جا می خواهند بگردند. اما در حج، این «ایام معلومات» را برای خودشان و برای زیارت و توجه و تذکر نگه دارند و آن را فدای کارهای بی ارزش نکنند.

در نمازهای جماعت، شرکت کنید. در اجتماعات، شرکت کنید. نماز اوّل وقت را به جماعت در حرّمهای عالی مقام حتماً درک کنید. بگذارید حضور شما، حضور مؤمنانه و پرهیزکارانه ای باشد که از ملت ایران انتظار می رود.

امیدواریم که پروردگار عالم، همه شما را موفق بدارد و مشمول ادعیه زاکیه ولی عصر ارواحنا فداه باشید.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.